این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

به لغزشگاه‌ها نزدیک نشوید

رهبر معظم انقلاب (حفظه‌الله):

جاهایی هست که انسان پایش می‌لغزد: «چوگل بسیار شد، پیلان بلغزند»؛ آدم‌ها که جای خود دارند. جاهایی لغزشگاه است. به آن جاها نزدیک نشوید. لغزشگاه‌ها انواعی دارد. هر کس نقطه ضعفی دارد. یکی نقطه ضعفش پول است؛ یکی نقطه ضعفش رودربایستی و رفاقت است؛ یکی نقطه ضعفش احترام کردن است؛ یکی نقطه ضعفش زن است؛ یکی نقطه ضعفش سورچرانی و شکم‌چرانی است.

هر کس نقطه ضعفی دارد. آدم خودش نقطه ضعف خودش را خوب می‌فهمد. به آن نزدیک نشوید. اگر نزدیک شدید، برای خودتان خطر درست کرده‌اید. علاوه بر نزدیک نشدن به نقطه ضعف‌ها، باید در تقویت معنوی خودتان کوشا باشید. اول قدمش این است که همین نمازی را که در شبانه روز پنج نوبت می‌خوانید، با توجه بخوانید.

منبع: صفحه اینستاگرامی Khamenei.ir به استناد سخنرانی معظم له در ۷۱/۵/۱۹

ویژگی مدیران گام دوم انقلاب

امین توکلی در توئیتی نوشت: انتخاب مدیران گام دوم انقلاب اسلامی ملاک‌ها و شاخص‌های خود را می‌طلبد. نه مدیران در مشت، گوش به فرمان و ضعیف برای گام دوم مناسب هستند، نه مدیران ضد خرد جمعی و فردمحور. نیاز به مدیران جوان، جهادی، انقلابی، کارآمد و کاربلد داریم تا با خلاقیت و مشورت نخبگان بتوانند وضع موجود را سامان بخشند.

آغاز پرشتاب قضایی

نرگس رئیسی در توئیتی نوشت: وقتی محسنی‌اژه‌ای هنوز دو هفته از انتصابش نگذشته، سفر استانی برای حل مشکلات مردم را به نشستن در دفتر خود ترجیح میده یعنی قطار تحول در دوره ریاست جدید دستگاه قضا پر شتاب است. آغاز عصر مدیریت اژه‌ای در قوه قضائیه و رئیسی در دولت تماشایی خواهد بود.

این مسئولان را هم ببینید

کانال تلگرامی «اخبار خاص» نوشت: همیشه از بالانشینی و کاخ‌نشینی مسئولان نوشتید، خدا قبول کنه! یکبار هم امثال آقای موسوی فرد، نماینده ولی‌فقیه و منصوب آقا در خوزستان و امام جمعه اهواز رو ببینید؛ اسکورت که نداره، یسره بین مردمه و پای دردشون میشینه، با ماشین شخصی هم بیرون نمیره و کنار خیابون منتظر تاکسی میشینه...

تصویر منتخب

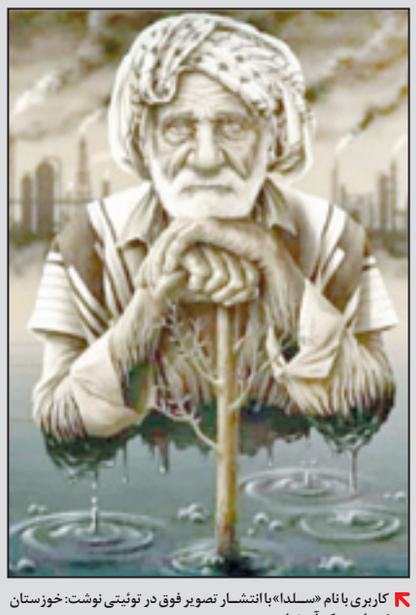

کاربری با نام «سلدا» با انتشار تصویر فوق در توئیتی نوشت: خوزستان سوخت، از بس که آب ندارد...

محمدصادق نیکوگستر/ فارس

اعتراض کاربران شبکه‌های اجتماعی به سگ‌گردانی بی‌ضابطه در محل‌های تفریح خانوادگی

اعتراض به سگ‌گردانی ولنگارانه

آغاز فصل تابستان و قدم گذاشتن‌های کودکان در پارک‌ها بار دیگر صدای اعتراض‌ها به سگ‌گردانی برخی شهروندان را بلند کرده است. کاربران حضور سگ‌ها در محل بازی کودکان یا محل‌های پیاده‌روی را موجب سلب آسایش و آرامش دانستند و از مراجع قانون‌گذاری خواستند تا قوانینی را به جهت ساماندهی به وضعیت موجود وضع کنند. آنها به تجربیات جهانی در این حوزه اشاره داشتند و تصاویری از ممنوعیت ورود حیوانات خانگی به مکان‌های مختلف تفریحی و گردشگری در کشورهای جهان را که نیاز به آسایش دارد، منتشر کردند. برخی از کاربران نیز اساس نگه داشتن حیوان خانگی در آپارتمان یا خانه‌های کوچک امروزی را خلاف حقوق حیوانات دانستند و آن را از خودارضایی بشر در برابر حیوانات قلمداد و از زشت آنها که در عین اسیر کردن حیوان در آپارتمان از حمایت از حیوانات دم می‌زنند، انتقاد کردند. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران در این خصوص آمده است.

■ **سیدمنصور موسوی:**
مشکل فقط سگ‌گردانی نیست. نگهداری یه سگ بزرگ میتونه یه محله رو عاصی کنه (که ما رو کرده). نباید هیچ یارانه‌ای به پت‌ها تعلق بگیره. همه بیمارستاناشون باید به حومه شهر منتقل بشه. جامعه باید آگاه بشه نسبت به خطراتشون. کار اساسی لازمه.

■ **ابراهیم علیپور:**
چند ماه پیش خانمی در پارک شیر آب آشامیدنی رو باز کرده بود و سگش داشت با لیسیدن اون آب میخورد. خدا شاهده خیلی مؤدبانه اعتراض کردم که این کار رو نکنید. در کمال بی‌ادبی به من گفت دهان سگ من از دهان امثال تو تمیزتره. این آدم‌ها هم آرامش روانی و هم بهداشت جامعه رو به هم می‌زنند!

■ **نوید سیدی:**
بنده به عنوان یک شهروند از پلیس درخواست دارم با سگ‌گردانی در معابر عمومی، پارک‌ها، محل بازی کودکان و همچنین با صاحبان سگ‌هایی که مدفوع سگ‌شان را در اماکن عمومی رها می‌کنند به شدت برخورد کنند و از مدعیان روشنفکری هم هراسی نداشته باشد.

■ **محمد کلهر:**
من به عنوان یک شهروند از پلیس تقاضا دارم وقتی سگی در پارک یا محل بازی کودکان مدفوع کرد، صاحب سگ را مجبور به جمع کردن کثافتکاری حیوانش بکنه. این از من!

■ **فرهاد فلاح:**
در یک برنامه زنده رادیویی در اروگوئه ازم سؤال کردند: «چرا شما مسلمان‌ها با سگ مخالف هستید و سگ تو خونتون نگه نمی‌دارید.» گفتم: «درست میگید. چون اسلام مخالف زندانی کردن حیوانات و به بند کشیدن آنهاست. اسلام میگه حیوانات باید آزاد باشند.» مجری گفت: «تا حالا کسی اینطوری دهنم را نبسته بود.» #سگ_گردانی

■ **سیاوش آقاجانی:**
اگر عشق به تقلید کورکورانه از غرب، عقلتون رو ناقص نکرده است، در نظر داشته باشید که نگه داشتن سگ هم مثل خر، گاو، گوسفند، مرغ، اردک و خروس برای خونه‌های روستایی و فضای بازشون مناسبه نه برای خونه‌های آپارتمانی و محیط بسته شهری و پارک و کوچه و خیابون. #سگ_گردانی

■ **عبدالله گنجی:**
این روزها زیاد از سگ‌گردانی در پارک‌ها و آزار و اذیت خانواده‌ها و بچه‌ها می‌شنویم. اگر سگ‌گردانی شاخصی از تمدن‌یافتگی و امروزی بودن است خب قوانین ایران را کنار بگذارید و با قوانین همان کشورهای متمدن با این جماعت برخورد شود تا شرایط سگ‌بازی در کشورهای مبدع آن را بدانند.

■ **محمد پازوکی:**
طبیعت و محل زندگی یک سگ رو عوض می‌کنند، میارنش تو آپارتمان که از قفس بدتره، بعد عقیمش می‌کنند و اجازه نمیدن که رفتار طبیعی خودشو انجام بده، آخرشم به ما میگن شما حیوان آزارید! تو بیو اینستاگرامشون هم نوشتن «حامی حقوق حیوانات.»

■ **سیدمهدی پیشنمازی:**
چرا فقط سگ‌گردانی؟ مگه صاحبان حیوانات دیگه دل ندارند؟ شاید بعضی‌ها هم دلشون بخواد اسب‌گردانی کنند، الاغ‌گردانی کنند، گاوگردانی کنند، گوسفندگردانی کنند. اگر قراره یه عده واسه سگ‌گردانی آزادی داشته باشند به صاحبان حیوانات دیگه هم آزادی عمل بدیم خب...

اهمیت نوشتن در حفظ فاصله انتقادی و هویت مرزی

حجت مشتاقیان ابرقوئی در کانال تلگرامی خود نوشت: یک ضرب‌المثل می‌تواند آثار مخرب زیادی داشته باشد. همرنگ جماعت شدن که راهی برای رسوا نشدن عنوان شده، پیامدهای فردی و اجتماعی بسیاری دارد. فردی که همرنگ جماعت می‌شود، تفکر رایج عصر خود و جامعه خود را بدون بررسی می‌پذیرد. درواقع فرد، نیازی به تفکر مستقل نمی‌بیند؛ چراکه جامعه، همه‌چیز را مشخص کرده و به ذهن او تزریق می‌کند. همچنین، پذیرفتن تفکر غالب، مانع از فکر نو و صدای نو در جامعه است. بدون تفکر انتقادی، راهی برای بهبود و تحول گشوده نمی‌شود.

اگر یادگیری را اصلی ارزشمند و سرمنشأ تحول در زندگی بدانیم، نیازمند تفکر انتقادی و همرنگ نشدن با اکثریت هستیم. نعمت‌الله فاضلی در کتاب زندگی سراسر فهم مسئله است، دلیل شکل گرفتن کتاب و اینکه چرا کتاب توانسته مسئله‌شناسی را تفسیر کند، فاصله انتقادی و هویت مرزی در تفکر نویسنده می‌داند.

در اوایل استخدام، مدیرعاملی داشتیم که رهبر مؤثری بود. یکی از نکاتی که همیشه مورد تأکیدش بود، این بود: «نیروهایی که جدید وارد سیستم شده‌اند مشکلات سیستم را بهتر می‌بینند، ایرادات سیستم را ببینید و بگویید.» موضوعاتی که در مفهوم اجتماعی شدن در سازمان تفسیر می‌شود.

کارکنان پس از ورود به سازمان، ارزش‌ها و فرهنگ مسلط سازمان را می‌پذیرند و مانند بقیه می‌شوند. آنها به تدریج رفتار و تفکری مانند دیگران را در پیش می‌گیرند تا تعامل ساده‌تری با دیگر کارکنان داشته باشند.

برای من همیشه این مسئله مهم بوده که وقتی تفکر غالب در سازمان را نمی‌پسندید، چطور با آن تعامل کنید؟ نپذیرفتن تفکر غالب، به معنی تعامل خلاق و انتقادی با مسائل سازمان است.

برای مثال وقتی در یک سازمان بزرگ، جلسات به‌طور اثربخش برگزار نمی‌شود، یا مدیریت مشارکتی وجود ندارد یا اهمیت منابع انسانی فراموش می‌شود و... و شما قدرت تغییر این معضلات را ندارید، چه می‌توانید بکنید و چه مسئولیتی دارید؟

من هم همیشه تلاش کرده‌ام فاصله انتقادی‌ام را با آنچه در سازمان می‌گذرد، حفظ کنم و هویت مرزی داشته باشم. هرچند با این دو مفهوم مهم اخیراً در کتاب «زندگی سراسر فهم مسئله است» مواجه شده‌ام.

فاصله انتقادی و هویت مرزی در من، ابتدا از طریق ارائه پیشنهاد بود و اگر پیشنهاد شنیده نمی‌شد، تازه شروع کار بود، آنها را با دید انتقادی برای خودم می‌نوشتم، نوشته‌ای که قرار نبود کسی آن را بخواند، فقط خودم می‌خواستم نظراتم را در مورد مسائل سازمانی شفاف کنم. البته این نوشته‌ها گاهی هم در سازمان مورد استقبال قرار می‌گرفت.

پس از چند سال، یکی از همکاران در وزارت نیرو که به دنبال افراد متخصص در شرکت‌های زیرمجموعه بود، اقدام مهمی کرد. گروهی مجازی تشکیل داد که همه در مورد موضوعی خاص در آن گفت‌وگو کنند و تجارب خود را به اشتراک بگذارند. با توجه به فضای بازتر شبکه‌های مجازی (که در نوشتاری دیگر بدان پرداخته شد) من نوشته‌هایم را نشر دادم و این انگیزه بیشتری برای تفکر، فهم مسئله و نوشتن شد.

نوشتن، نیاز به خواندن و تفکر دارد و موجب شده است بیشتر مطالعه کنم و دغدغه درک مسائل سازمان را داشته باشم. برای من درک مسائل سازمان با نگاه بین‌رشته‌ای و دیدگاهی برخاسته از تعامل دانش مدیریت با علوم دیگر از جمله علوم اجتماعی، انسان‌شناسی، روانشناسی، سیاست و نظریه‌های قدرت و... بسیار جذاب و آموزنده است.

مصطفی مهرآیین در نوشته اخیرش با عنوان «چرا از شفافیت می‌ترسیم» با توجه به اینکه جامعه ایران با مشکلات اساسی روبه‌روست، (و قطعاً سازمان‌ها هم با مشکلات زیادی درگیرند)، تمامی تحصیلکرده‌هایی را که خودکارهای قرمز خود را دور انداخته‌اند و در مورد مسائل و مشکلات سخنی نمی‌گویند و نمی‌نویسند و سر در لاک زندگی شخصی خود فرو برده‌اند، مورد انتقاد قرار داده است.

سؤال اساسی او این است: «مگر مشکلات و مسائل کشور قرار است به دست کسی به جز ما شناسایی شود و بهبود یابد؟ پس باید در مورد آن بنویسیم و سخن بگوییم.»

به قول دکتر نعمت‌الله فاضلی: «خوانا و نویسا باشیم.»

نیاز مبرم به چارچوب سیاست پولی و بازرگانی

صمد عزیزنژاد در توئیتی نوشت: فقدان چارچوب سیاست پولی و بازرگانی، مشکل اصلی کشور است. این امر باعث شده دولت‌ها فارغ از گرایش‌های سیاسی، اولاً تثبیت نرخ ارز اسمی و ثانیاً قیمت‌گذاری وسیع را انجام دهند. خروجی نهایی، گرانی و تورم بوده است. دولت جدید باید قبل از هر اقدامی قواعد سیاست پولی و بازرگانی را طراحی نماید.

چرا امریکا نمی‌گذارد مذاکرات به نتیجه برسد؟

مجید شاکری در توئیتی نوشت: امریکا فعلاً به تداوم مذاکرات نیاز دارد و ایران به «نتیجه» مذاکرات. لذا امریکا امتیازات را دقیقاً در سطحی قرار می‌دهد که مذاکرات به هم نخورد ولی به نتیجه هم نرسد. حتی اگر ایران ناگهان امتیازات اعطایی را بپذیرد، بسته پیشنهادی به حدی ناقص است که مذاکره مجدد را اجتناب‌ناپذیر کند.

اقدامات نمایشی وزارت صمت در روزهای واپسین دولت دوازدهم

علی واعظ‌پور نوشت: در واپسین روزهای دولت دوازدهم برخی اقدامات نمایشی از آزادسازی معادن تا رونمایی از سند سیاست‌های صنعتی در حال اجراست. در خصوص سند مذکور برخی نکات محل تأمل است:

۱) این اقدام نمایشی در واپسین روزهای عمر دولت دوازدهم با چه هدفی انجام شد؟

۲) این سند در روزهای پایانی چه کمک فکری به دولت دوازدهم در پیشبرد اهداف صنعتی، معدنی و تجاری خواهد کرد؟

۳) چرا طی سنوات اخیر برای حل مشکلات اساسی مانند رونق تولید، تنظیم بازار و... به میان نیامد و نتوانست کمکی به حل مسائل بنیادی وزارت صمت داشته باشد؟

۴) آیا بهتر نبود در شرایطی که تولیدکنندگان، فعالان اقتصادی و بخش خصوصی که طی سال‌های اخیر با فشارهای مضاعفی همراه بوده‌اند، زودتر سندی جامع برای برون‌رفت از این شرایط طراحی می‌شد؟

۵) چنین سندهایی که مشابه آن بارها توسط وزارت صمت تهیه شده است چه کمکی به حوزه تولید و تجارت کرده است؟ حال آنکه سندهای قبلی در زمان‌های مناسب‌تر و این سند در زمانی نامناسب (و صرفاً با رویکردی نمایشی) تهیه شده است.

به‌نظر می‌رسد وزارت صمت از اجرای اقدامات مؤثر ناامید شده و صرفاً به انجام اقدامات نمایشی روی آورده است.

عایدی سوداگران بازار از قرعه‌کشی خودرو

کانال تلگرامی «دنیای اقتصاد» نوشت: دو خودروساز بزرگ کشور طی یک بازه زمانی تقریبا ۸ ماهه (حدفاصل خرداد تا دی ۹۹)، مجموعاً ۳۵ طرح فروش را اجرا کرده‌اند و این در شرایطی است که حدود ۴۳ میلیون تقاضا برای تنها ۵۷۵هزار دستگاه خودرو به ثبت رسیده است. این ارقام در گزارشی که اخیراً انجمن صنایع همگن قطعه‌سازی منتشر کرده است، به چشم می‌آید و نشان می‌دهد بازار خودرو تحت‌تاثیر سیاست قیمت‌گذاری دستوری و رانت ناشی از اختلاف قیمت کارخانه و بازار، با چه تقاضای کاذب عظیمی مواجه است. یک محاسبه سرانگشتی نشان می‌دهد به ازای هر ۷۴ تقاضا یک خودرو عرضه شده و به‌عبارتی متوسط شانس برنده‌شدن در طرح‌های فروش، یک به ۷۴ بوده است. شرکت‌کنندگان در طرح‌های فروش ایران‌خودرو، تقریباً یک به ۱۱۵ شانس برنده شدن داشته‌اند. اما مشتریان سایپا برای برنده‌شدن در طرح‌های فروش این شرکت، به‌طور متوسط شانس یک به ۲۱ را داشته‌اند.

۷ تفاوت مسیح علی‌نژاد و روح‌الله زم برای جمهوری اسلامی

محسن مهدیان در کانال تلگرامی خود در رابطه با ادعای مضحک مسیح علی‌نژاد در خصوص تلاش دستگاه‌های امنیتی ایران برای ربودنش نوشت: چرا دستگیری مسیح علی‌نژاد برای جمهوری اسلامی بی‌ارزش است؟ چرا روح‌الله زم ارزش داشت؟

۱) روح‌الله زم نه صرفاً یک ضدانقلاب، بلکه سرشاخه یک جریان براندازی در داخل کشور محسوب می‌شد. شناسایی عوامل متصل به روح‌الله زم در داخل اهمیت داشتند. کسانی که بستر انتقال اطلاعات را به زم فراهم کرده بودند. مسیح علی‌نژاد از این جهت فاقد ارزش است.

۲) روح‌الله زم نقش سازماندهی و آموزش و توسعه عملیات‌های میدانی آشوب در داخل را بر عهده داشت. بسیاری از پروژه‌های خیابانی با محوریت آمدنیوز انجام می‌شد. مسیح علی‌نژاد از این جهت بلااثر است.

۳) روح‌الله زم نقش نفاق در ایجاد اختلافات داخلی و بدبینی به حاکمیت و مسئولان را با پخش اطلاعات دستکاری‌شده بر عهده داشت و حال آنکه مسیح علی‌نژاد از این جهت فاقد هرگونه توان و کارکردی است.

۴) روح‌الله زم به جهت عملیاتی بودن، نقش پیونددهنده جریان‌های ضدانقلاب را بر عهده داشت حال آنکه مسیح علی نژاد وجاهتی در بین ضدانقلاب ندارد تا نقش محوری بیابد.

۵) روح‌الله زم از برخی جریان‌های سیاسی در داخل حمایت می‌کرد و از این جهت تصویر نفاق‌گونه داشت. بر این اساس ادعای اصلاح داشت و می‌گفت آنچه شما می‌گویید اغتشاشات، ما می‌گوییم اعتراضات. حال آنکه مسیح علی‌نژاد یک ضدانقلاب آشکار است و نیاز به نفاق‌شکنی ندارد.

۶) پیوست عملیاتی روح‌الله زم در براندازی، سیاسی بود و پیوست عملیاتی مسیح علی‌نژاد، اخلاقی از طریق توزیع و ترویج جریان فحشای داخلی است. برای مقابله با پیوست نوع دوم اقدام امنیتی پیچیده نیاز نیست و در کنار برخورد قهری باید روشنگری و کار فرهنگی انجام داد.

۷) پایگاه اجتماعی روح‌الله زم و آمدنیوز به دلیل برخی وجوه مزورانه و منافقانه‌اش، مردمی بود و حال آنکه پایگاه اجتماعی مسیح علی‌نژاد صرفاً ابتذال و جریان آشکار ضدانقلاب است و کمتر داخلی است.

بر این اساس پروژه دستگیری مسیح علی‌نژاد برای جمهوری اسلامی از بیخ و بن بی‌اساس و فاقد ارزش است و نمایشنامه اخیر ضدانقلاب بیشتر به پروژه شیادی احیای «معصومه قمی کلا» تا «مسیح علی‌نژاد» است. تبدیل یک آدم فاقد ارزش و سوخته به یک مهره مؤثر.

خطر بر فراز کارائیب

امیرعلی ابوالفتح در کانال تلگرامی خود نوشت: با ادامه ناآرامی‌ها و اعتراضات در کوبا، جریان‌های تندرو ضد هاوانا در امریکا، به‌ویژه در ایالت فلوریدا بسیج شده‌اند تا افکار عمومی را به نفع مداخله نظامی امریکا در کوبا آماده کنند. به‌عنوان مثال، فرانسیس سوارز، شهردار جمهوری‌خواه شهر میامی در فلوریدا در گفت‌وگو با شبکه دست راستی فاکس‌نیوز، از دولت امریکا خواست گزینه حمله نظامی به کوبا یا بمباران هاوانا را برای حمایت از معترضان در کوبا در نظر بگیرد. وی گفت: «به عقیده من واشنگتن باید این روش فشار بر هاوانا را بررسی کند.» همزمان نیز برخی از جمهوری‌خواهان کنگره امریکا دست به کار شده‌اند تا با تحریک دولت دموکرات جو بایدن، کاخ سفید را به تشدید اقدامات مداخله‌جویانه در کوبا از جمله اقدام نظامی، سوق دهند. این گروه از دشمنان دولت هاوانا، امیدوارند زمینه برای مداخله نظامی امریکا در کوبا فراهم و حکومت کمونیستی در این کشور بعد از ۶۰ سال، سرنگون شود. البته بحث مداخله نظامی امریکا در کوبا، موضوع جدیدی نیست و قدمت ۱۲۰ ساله دارد. در اواخر قرن نوزدهم، مداخلات فزاینده امریکا در امور جزیره کوبا که در آن زمان تحت اداره امپراتوری اسپانیا بود، به جنگ امریکا- اسپانیا انجامید. نتیجه آن جنگ برای مردم کوبا هم رفتن به زیر پرچم امریکا بعد از خروج از زیر پرچم اسپانیا بود. سلطه مستقیم و غیرمستقیم امریکا بر کوبایی که در ۸۰ مایلی جنوب این کشور قرار دارد، با انقلاب کمونیستی به رهبری فیدل کاسترو در اول ژانویه سال ۱۹۵۹ به پایان رسید. با این حال، ایده دخالت مجدد سیاسی و نظامی امریکا در کوبا هیچ‌گاه کنار گذاشته نشد. امریکایی‌ها یک‌بار شانس خود را با عملیات خلیج خوک‌ها آزمایش کردند که به شکست و رسوایی بزرگ برای دولت وقت امریکا انجامید. چند سال بعد هم دخالت امریکا در موضوع استقرار موشک‌های اتمی اتحاد شوروی در خاک کوبا، جهان را تا یک‌قدمی جنگ جهانی سوم پیش برد.

از آن پس با مسجل شدن ناتوانی امریکا برای دخالت نظامی مستقیم در کوبا، تشدید تحریم‌های گسترده علیه این کشور جزیره‌ای در دریای کارائیب، در دستور کار قرار گرفت. این تحریم‌ها دو هدف اولیه و ثانویه را دنبال می‌کردند. اول اینکه دولت کمونیستی کوبا را تحت فشار قرار دهد تا به خواسته‌های واشنگتن تمکین کند و اگر این اتفاق رخ نمی‌داد، با تحت فشار قراردادن مردم کوبا، آنان را به سمت قیام و شورش علیه زمامداران خود ترغیب نماید. البته هیچ‌کدام از این دو هدف محقق نشده است؛ نه دولتمردان کوبایی در برابر واشنگتن تمکین کردند و نه اینکه مردم کوبا، شورش‌هایی را به راه انداخته‌اند که به سرنگونی حکومت کمونیستی در این کشور بینجامد. همین موضوع هم موجب شده است یک‌بار دیگر، گزینه اقدام نظامی امریکا در کوبا و این بار، به بهانه حمایت از اعتراضات اخیر برخی از کوبایی‌ها، در ذهن تندروترین جریان‌های سیاسی ضد کوبایی در امریکا مطرح شود. موضوعی که با توجه به سوابق ایالات‌متحده در منطقه امریکای لاتین، منتفی نیست، اما اگر رخ دهد، پیامدهای وخیم سیاسی -امنیتی هم برای منطقه و هم برای جهان برجای خواهد داشت.